

# حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

جواد حبیبی تبار<sup>۱</sup>

## چکیده

لزوم حفاظت از حریم احکام شرعی مانند همه احکام فقهی، از منابع فقه استنباط شده است. این ضابطه، نخست از قرآن کریم و سپس از پاره ای نصوص ناظر به موارد جزئی، از طریق «تنقیح مناط» و «الغای خصوصیت» در موارد مشابه، استخراج و اصطیاد شده است؛ به گونه ای که در مواضعی مشابه که فاقد روایتی خاص هستند اما از مناطی واحد برخوردارند، به کار می رود.

سازوکار این قاعده بدین سان است که شارع مقدس برای تشریع ممنوعیت برخی موضوعات، از تعبیری بهره جسته که افزون بر دلالت بر اهمیت آن موضوعات، پیامدهای سوء ارتکابشان را گوشزد می کند و با بهره گیری از صیغه نهی «لا تَقْرَبُوا»، مخاطب را از نزدیک شدن به آن ها تحذیر می نماید. در این موارد، افزون بر حرمت خود آن موضوعات، حریم پیرامونی آن ها نیز به موجب «حمای شرعی»، ممنوع و حرام قلمداد می شود.

ادله این ضابطه، عمدتاً از قرآن مجید برگرفته شده است. از آنجا که قاعده «لزوم رعایت حریم حفاظتی احکام»، برخی آزادی های اجتماعی و فردی را تحدید می کند، مشمول اصل اطلاق آزادی نمی گردد؛ لذا بر حاکمیت در نظام اسلامی فرض است که

---

۱. استاد خارج فقه و اصول و گروه فقه و حقوق قضایی جامعه المصطفی العالمیه

این مهم را در ساحت تقنین و اجرا، قانون توجه قرار دهد.

کلید واژگان: احکام شرعی، حریم حفاظتی، انواع آزادی، آزادی فردی و اجتماعی.

## مقدمه

آیین اسلام متشکل از دستورها و آموزه‌هایی است که رعایتِ مجموعی آن‌ها مساوی با بهره‌مندی انسان از دینی کامل است. به عبارت دیگر، دستورها و آموزه‌های اسلام در کنار یکدیگر، مانند قطعات یک پازل، تصویری کامل از آیین اسلام را به نمایش می‌گذارند. بنابراین، اگر در اسلام به آزادی‌های فردی و اجتماعی بها داده شده است، در کنار آن به ممنوعیت‌های فردی و اجتماعی نیز اهمیت داده شده است. تبادر اولیه از مفهوم آزادی این است که انسان رها باشد؛ اما مسلماً خود انسان بودن، به عنوان یک عامل آزادی و نیز یک مانع آزادی، همراه با عوامل و موانع دیگر، اقتضا دارد که آزادی‌های وی نامحدود نباشد، بلکه حد و مرزی داشته باشد. مرزهایی و آزادی‌های انسان، جایی است که ممنوعیتِ مسلمی وجود داشته باشد. یکی از موانع آن، حماهای الهی و در پی آن، وجود قاعده لزوم رعایتِ حریم حفاظتی (حریم جمعی) است. لزوم رعایتِ حریم حفاظتی (حریم جمعی) شرعی، تبادر یادشده از مفهوم آزادی را مخدوش کرده و برای آزادی حدود و ثغوری ترسیم می‌کند.

رابطه میان مواردی که حریم برای حماهای الهی وجود دارد و حتی خود مصادیق حماهای الهی، با هر یک از دو نوع آزادی مورد بحث (فردی و اجتماعی)، اقتضائاتی دارد. رابطه آن‌ها با آزادی‌های فردی این است که محدودکننده‌اند؛ لکن دیگران، اعم از مردم و حکومت، حق بررسی و احراز عدم ارتکاب محرماتِ داخل در حریم حفاظتی (حریم جمعی) یا خود حماها را ندارند. همچنین، رابطه آن‌ها با آزادی‌های اجتماعی

نیز این است که محدودکننده اند و در این راستا، دیگران (مردم و حکومت) موظف به جلوگیری از آن هستند.

سعی این مقاله بر آن است تا عمدتاً با استناد به آیات قرآن مجید، هر یک از دو بعد مذکور و رابطه آن ها را مورد بررسی قرار دهد. برای نیل به منظور یادشده، مقدمتاً به مفهوم شناسی واژگان کلیدی و نیز به تبیین موضوع بحث می پردازیم.

### ۱. تبیین موضوع و ادبیات تحقیق

ضابطه «حفاظت از احکام شرعی» که از آن به «رعایت حریم حمای شرعی» نیز یاد شده است، از بسیاری از آیات قرآن کریم و برخی روایات استنباط شده است. این ضابطه به عنوان یک قاعده فقهی، این وظیفه را برای مکلفین تعریف می کند که در موارد احراز اهمیت یک امر ممنوع شرعی و حساسیت شارع مقدس نسبت به آن، مرز ممنوعیت و حرمت را از نقطه کانونی به محیط پیرامونی آن گسترش داده و مصادیقی را که جزء حریم پیرامونی محسوب می شوند، نیز مشمول ممنوعیت و حرمت قرار دهند. در نتیجه این فرایند، برخی آزادی های فردی اشخاص محدود می گردد و چنانچه نظام حکومتی یک جامعه بر اساس احکام و بایدها و نبایدهای فقهی بنا شده باشد، آزادی های اجتماعی نیز تحدید می شود. در واقع با پذیرش این ضابطه، اصل آزادی اشخاص مطلق نبوده و دارای حد و مرز خواهد بود؛ بر این اساس، حاکمیت می تواند در حدود مصادیق حریم حفاظتی (حریم حمی) شرعی، آزادی های افراد را در قالب تقنین و اجرا تحدید نماید.

در بخش ادبیات تحقیق، واژگان کلیدی این پژوهش مورد بررسی مفهومی قرار می گیرند:

واژه «حریم» در لغت دارای معانی متعددی است؛ از جمله به معنای «ممنوع» و

«محروم» که جوهری ریشه آن را «حَرَمَ» دانسته است (اسماعیل بن حماد جوهری، ج ۵، ص ۱۸۹۵). برخی نیز آن را هر مکانی دانسته‌اند که باید مورد حمایت قرار گیرد (لویس معلوف، ذیل واژه الحريم). معنای دیگر حریم، «اطراف» است که به آنچه از پیرامون خانه و عمارت بدان متعلق باشد، گفته می‌شود (دهخدا، ج ۶، ص ۷۸۱۹؛ معین، ج ۱، ص ۱۳۵۲). از این رو، برای اطراف خانه، رود و چاه، کلمه حریم استعمال شده است. هنگامی که در کنار واژه «حریم»، تعابیری چون «حول» و «جانب» به کار می‌رود، قید توضیحی محسوب می‌شوند؛ مانند روایت امام صادق (ع): «حَرِيمُ الْبَيْتِ الْعَادِيَةِ [الْقَدِيمَةِ] أَزْبَعُونَ ذِرَاعاً حَوْلَهَا» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹۶) و یا «حَدُّ الْجَوَارِ أَزْبَعُونَ دَاراً مِنْ كُلِّ جَانِبٍ» (حرر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۲). بنا بر مراتب فوق، می‌توان حریم را مساوی با «اطراف موضوع» دانست؛ امری که با خود موضوع تفاوت دارد، اما وابسته به آن و شدیداً با آن مرتبط است. برای مثال، زنا موضوع است، اما «تقبیل» و «مضاجعه» اطراف موضوع یا حریم آن محسوب می‌شوند؛ لذا اگر قاعده لزوم رعایت حریم حفاظتی (حریم حمی) ثابت باشد، حکم حرمت زنا به اطراف موضوع (تقبیل) نیز سرایت می‌کند (شریفی، ص ۲۶ و ۲۷). در قوانین مدون ایران نیز برای حریم تعریفی مشابه در قانون مدنی ارائه شده است (مواد ۱۳۶ تا ۳۹).

واژه «حمی» نیز به عنوان مصدر، در کتب لغت هم به فتح حاء و هم به کسر آن ضبط شده است و [اسم] مصدر آن «حمایت» به معنای منع کردن از نزدیک شدن به چیزی است (اسماعیل بن حماد جوهری، ج ۶، ص ۲۳۱۹). از همین رو به مراتع ممنوعه (خلیل فراهیدی، ج ۳، ص ۳۱۲) و مناطق قرقرگاه سلطنتی («حمی السلطان»)، گفته می‌شود (فخرالدین طریحی، ج ۱، ص ۱۰۸). گفتنی است کلمه «حمی» معانی دیگری نیز دارد<sup>۱</sup> که در این مقاله مراد نیست و صرفاً معنای منطقه ممنوعه و قرقرگاه مدنظر

۱. حرارتی که از اجسام تولید می‌شود. (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۵۹)



است. همچنین منظور از «شرعی» در ترکیب قاعده مورد بحث، استناد به شریعت و جانب خداوند است؛ بدین معنا که حریم موضوع مورد نظر، باید مورد حمایت شارع مقدس باشد و حکم موضوع داخل در حریم امر ممنوع، بر اساس حکم شارع مورد فتوای فقیه قرار گیرد.

بر این اساس، منظور از حریم حفاظتی (حریم حمای شرعی)، «اطراف منطقه ممنوعه شرعی» است. در نتیجه، مفاد این قاعده چنین است: «هر کاری که در نزدیکی ممنوعات و محذورات شدید الهی واقع شود، حکم همان محرمات را دارد و باید جهت احتراز از افتادن در آن محرمات شدید، از محیط پیرامونی آن پرهیز نمود» (شریفی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

مفهوم «آزادی» (Freedom) در حوزه های مختلف دینی و غیردینی تعاریف متعددی دارد و علی رغم ظاهر ساده، از مفاهیم دشوار (مفاهیم مشکله) است که گاه تا ۲۰۰ تعریف برای آن ارائه شده است (عربشاهی مقدم، ص ۱۲۰ به نقل از آیزایا برلین). آزادی در لغت به معنای حریت، آزادگی و مقابل بندگی و عبودیت است (معین، ج ۱، ص ۴۶) و می توان آن را حالت فقدان قید و بند و رهایی دانست. این تعریف در مورد انسان باید تکمیل شود؛ بدین نحو که در اسلام، منظور از آزادی «رهایی از قیودات درونی و بیرونی برای رسیدن به کمال» و در غرب «رها بودن برای بهره برداری هرچه بیشتر از لذات مادی» است (عربشاهی مقدم، ص ۱۲۰). «آزادی فردی» متأثر از این تعریف، به معنای رهایی از قیودی است که موضوع آن خود فرد است، مانند آزادی حق حیات، اقامت، رفت و آمد و مالکیت. در مقابل، «آزادی اجتماعی» که به آزادی مدنی نیز تعبیر شده، رهایی از قیودی است که موضوع آن اجتماع است و فراتر از آزادی فردی، شامل مصادیقی چون آزادی تشکیل حزب، انجمن و گروه می شود؛ چنان که آزادی عقیده نیز

نوعی آزادی اجتماعی و مبنای آزادی مذهب است.

## ۲. مبانی فقهی ضابطه حریم حفاظتی (حمای شرعی)

در تبیین مبانی فقهی این ضابطه، چهار محور اصلی قابل طرح است: ادله قرآنی، ادله روایی، سیره عقلایی و مذاق شارع. در میان این موارد، آیات قرآن کریم به عنوان رکن اصلی و دلیل بنیادین مسئله، جایگاه ویژه‌ای دارند که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند.

### ۲-۱. ادله قرآنی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که برای بازدارندگی از ارتکاب گناهان بزرگ، تنها به منع خود عمل اکتفا نکرده، بلکه با بهره‌گیری از تعابیر بازدارنده، از حواشی و محیط پیرامونی آن عمل نیز نهی کرده‌اند. این دسته از آیات به طور مشخص از ماده «قرب» (نزدیک شدن) استفاده کرده‌اند. این تعبیر، در شش آیه از قرآن کریم با صیغه‌های ناهیه وارد شده است. البته باید توجه داشت که نهی از «نزدیک شدن»، قاعده‌ای عمومی برای تمام منهیات نیست، بلکه مختص به اعمال مهم، پرخطر و به تعبیر مفسران، «وسوسه‌برانگیز» است که حساسیت ویژه‌ای نسبت به آن‌ها وجود دارد (مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۳۵).

### ۲-۱-۱. لزوم رعایت حریم جرم زنا

بارزترین نمونه برای اصطیاد این ضابطه، آیه ۳۲ سوره اسراء است: وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (اسراء: ۳۲). در این آیه، نهی شارع مستقیماً بر موضوع اصلی (زنا) متمرکز نیست، بلکه بر «حریم» و پیرامون آن یعنی «نزدیک نشدن» تکیه دارد.

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

تعبیر «لا تقربوا» نسبت به نهی مستقیم از اصلِ عمل (لاتزنوا)، رساتر است و هم سانیِ مفهومیِ دقیقی با «لزوم رعایت حریم حفاظتی (حریم جمعی) شرعی» دارد.

## ۲-۱-۱-۱. شواهد حساسیت شارع نسبت به حریم جرم زنا

در خصوص اهمیت و مخاطره آمیز بودنِ موضوعِ این آیه، شواهد متعددی دال بر حساسیتِ ویژه شارع وجود دارد:

۱. شدت مجازات: تفاوت حدِ زنا (۱۰۰ تازیانه) با حدِ شرب خمر (۸۰ تازیانه) نشان دهنده قبح و اهمیتِ مضاعفِ این عمل در شریعت است.

۲. احتیاط در نکاح: در روایات، احتیاطِ شدید برای دوری از شبهاتِ مرتبط با روابطِ جنسیِ حرام توصیه شده است؛ مانند منع وارده از امام صادق علیه السلام از ازدواج با زنی که با طلاق غیر سنت از همسر سابق خود جدا شده بود و تعلیل آن که ما در این موارد احتیاط می کنیم،<sup>۱</sup> در موارد تردید در صحت طلاق، از ازدواج پرهیز می دادند و قاعده کلی «توقف در شبهات بهتر از افتادن در مهلکه است (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱، ح ۲) نیز بر همین مبناست.

۳. سخت گیری در اثبات: لزوم وجود چهار شاهدِ عادل برای اثباتِ زنا، گویای آن است که شارع به دلیل حساسیتِ این موضوع، طریقه ی اثباتِ آن را به گونه ای تعیین کرده که جای هیچ شک و تردیدی باقی نماند.

۱... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ يُفَرِّئُكَ السَّلَامُ وَقَدْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً قَدْ وَافَقَتْهُ وَأَعْجَبَتْهُ بَعْضُ شَأْنِهَا وَقَدْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ فَطَلَّقَهَا ثَلَاثًا عَلَى غَيْرِ الشُّنَّةِ وَقَدْ كَرِهَ أَنْ يُقَدِّمَ عَلَى تَزْوِيجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ فَتَكُونَ أَنْتَ تَأْمُرُهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَرْجُ وَأَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَنَحْنُ نَحْتَاطُ فَلَا يَتَزَوَّجُهَا. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۲۴)

## ۲-۱-۱-۲. مصادیق حفاظت (دوری) از زنا

بر اساس این ضابطه، محیط پیرامونی زنا که باید از آن‌ها اجتناب کرد، شامل موارد زیر است:

یک. نگاه به نامحرم: اگرچه نگاه، عین زنا نیست، اما در محیط پیرامونی آن قرار دارد؛ لذا رعایت حریم آن طبق آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور واجب است.

دو. کشف حجاب بدن: پوشش، مانع رسیدن به حریم ممنوع است؛ لذا بر اساس آیه ۵۹ سوره احزاب، کشف حجاب به عنوان یکی از مصادیق ورود به حریم حفاظتی (حریم جمعی) زنا شناخته شده و مورد نهی است.

سه. کشف ویژگی‌های صوتی: اگر تحریک‌کنندگی صدای انسان موجب برانگیختن تمایلات جنسی شود، در زمره مصادیق حریم حفاظتی (حریم جمعی) زنا قرار گرفته و طبق آیه ۳۲ سوره احزاب، محدودیت می‌پذیرد (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا).

چهار. شوخی‌های جنسی: کلمات برانگیزاننده‌ی شهوت با افراد مستعد تحریک، از مصادیق بارز ورود به حریم حفاظتی (حریم جمعی) زناست. امیر مومنان (ع) در روایتی می‌فرمایند که شوخی جنسی با کنیزان و غلامان، مقدمه‌ی افتادن در دام زنا و به تبع آن مجازات اخروی است (عن علی علیه السلام أنه قال إن خمسة أشياء تقع بخمسة أشياء، ولا بد لتلك الخمسة من النار إلى أن قال و من مازح الجواری و الغلمان فلا بد له من الزنا، ولا بد للزانی من النار. نوری، مستدرک ۱۴/۲۷۳).

پنج. خلوت با نامحرم: خلوت‌گزینی با نامحرم به دلیل احتمال قوی وقوع در گناه، به عنوان یک امر پیرامونی زنا، حرام شده است. البته اگر خلوت با نامحرم همراه با

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

احتمال وقوع در گناه نباشد، فقط بنابر احتیاط، حرام است نه بنابر فتوا (توضیح المسائل مراجع، مسأله ۲۴۴۵).

## ۲-۱-۲. لزوم رعایت حریم در مورد فواحش

دومین آیه ای که ضابطه «حریم حفاظتی (حریم جمعی)» از آن قابل استنباط است، آیه ۱۵۱ سوره انعام است: «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ». واژه «فواحش» جمع «فاحشه» است؛ فراهیدی آن را به معنای هر چیزی که موافق حق نباشد دانسته (فراهیدی، ج ۳، ص ۹۷) و جوهری آن را به معنای تجاوز از حد و مرز می داند (جوهری، ج ۳، ص ۱۰۱۵).

در این آیه، نهی شارع به جای اعمال فاحشه، بر «نزدیک شدن» به آن ها (لاتقربوا) تمرکز یافته است و شامل هر دو نوع فاحشه ظاهری (گناهان علنی) و باطنی (گناهان سری و روابط نامشروع پنهانی) می شود (طباطبایی، ج ۷، ص ۵۱۷). استفاده از تعبیر «لاتقربوا» نشان دهنده آن است که مقوله فحشا، دارای حریمی پیرامونی است که باید رعایت شود. به عنوان نمونه، در بحث «زنا» که از مصادیق فحشا است، خلوت با نامحرم، نگاه شهوت آلود، کلام تحریک آمیز، لمس و تقبیل، همگی در زمره «حریم حفاظتی (حریم جمعی)» آن قرار می گیرند و به تبع آن، حکم ممنوعیت بر آن ها بار می شود.

## ۲-۱-۳. لزوم رعایت حریم جرم اکل مال یتیم

سومین آیه ای دال بر این ضابطه، آیه ۱۵۲ سوره انعام است: «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...». قرآن کریم خوردن مال یتیم را مساوی با خوردن آتش و عاقبت آن را سوختن در دوزخ دانسته است. نکته ی ظریف در این آیه، استفاده از

نهی «لا تقربوا» به جای «لا تأكلوا» (خوردن ممنوع) است. این انتخابِ واژگانی، به خوبی نشان می‌دهد که شارع برای «تصرف در مال یتیم»، حریمی ایجاد کرده است تا مکلفین حتی به محدوده پیرامونی این مالِ ممنوعه نیز نزدیک نشوند.

این نهی گسترده، قاعده‌ای است که در هر عصری مصداق می‌یابد؛ برای نمونه، اگر سرمایه‌گذاریِ پرریسک در بازار بورس، مالِ یتیم را در معرضِ تعدی یا تضییع قرار دهد، می‌توان آن را داخل در «حریم حفاظتی (حریم حمی)» تصرف در مال یتیم دانست و حرمتِ مستفاد از آیه را به آن سرایت داد. در واقع، واژه «أكل» (خوردن) در این سیاق، نه به معنای لغوی آن، بلکه ناظر به «هرگونه تصرف غیرمجاز و اخذ» است؛ چرا که خوردن، ابتدایی‌ترین و عمومی‌ترین شکلِ تصرفِ انسان در اموال است که به تمام انواعِ تصرفاتِ دیگر تسری یافته است. تفاوتِ لحنِ این آیه با آیه ۱۰ سوره نساء (که در آن از تعبیر «لا تأكلوا» استفاده شده) تأکیدی بر وجود یک حریم بازدارنده و امنیتی برای اموالِ یتیمان است.

## ۲-۱-۴. لزوم رعایت حریم حفاظتی برای مسجدالحرام

چهارمین دلیل قرآنی، آیه ۲۸ سوره توبه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...». در این آیه، نهی از ورود مشرکین به مسجدالحرام بیان شده است. برخی مفسران معتقدند مراد از این آیه، صرفِ ممنوعیتِ ورود به ساختمان مسجد نیست، بلکه حرم مکه به طور کامل مد نظر است؛ زیرا شارع به جای تعبیر «لا یدخلوا» (وارد نشوند)، از تعبیر «لا یقربوا» (نزدیک نشوند) استفاده کرده است. این تفاوتِ واژگانی نشان می‌دهد که مشرکین حتی حقِ نزدیک شدن به محدوده مسجدالحرام را ندارند، نه اینکه تنها ورود به خودِ فضای مسجد ممنوع باشد. لذا این آیه به عنوان یک دلیل قرآنی، دلالت بر لزوم رعایت حریم حفاظتی (حریم

حِمی) مسجدالحرام برای مشرکین دارد.

البته آیات مشابهی هم وجود دارد که به رغم استفاده از صیغه لا تقرّبوا در آن، نمی توان از آن حریمی برای عمل ممنوع استفاده کرد بلکه صرفاً تأکیدی بر حرمت یا مبالغه در بیان ممنوعیت است.

## ۲.۲. ادله روایی

افزون بر آیات قرآن کریم، در برخی روایات نیز از تعبیر «نزدیک نشدن» به گناه استفاده شده است. این تعبیر نشان می دهد که در مواردی، نهی شارع تنها به ارتکاب مستقیم فعل حرام اختصاص ندارد، بلکه مقدمات، زمینه ها و رفتارهای پیرامونی منتهی به آن را نیز دربرمی گیرد. روایات مربوط به ربا، قمار و مسکرات را می توان از مهم ترین مستندات روایی ضابطه رعایت حریم حفاظتی (حریم حِمی) شرعی دانست.

### ۲.۲.۱. لزوم رعایت حریم حفاظتی در مورد ربا

روایتی از امام باقر علیه السلام ناظر به هشدارهای روزانه حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خود به بازاریان کوفه است که به ربا نزدیک نشوید (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱). طبق این روایت حاکم معصوم تجار را از نزدیک شدن به ربا نهی می کرده است. این درحالی بوده که مبدا حرمت ربا شریعت اسلام نبوده بلکه به شهادت قرآن کریم برای امت های پیش از اسلام هم حرام بوده است زیرا راجع به آن تعبیر «...وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ...» (نساء: ۱۶۱) به کار رفته است. در چنین وضعیتی حضرت می توانستند با نهی «لاتربوا» مخاطبین را مورد خطاب قرار دهند اما تعبیر «لاتقرّبوا» را به کار بردند که می تواند به معنای ایجاد حریم برای حمای ربا باشد. یکی از مهم ترین مصادیق این حریم، ورود به تجارت بدون آگاهی کافی از احکام



معاملات است. کسی که بدون شناخت احکام بیع، قرض، سود، ضمان و دیگر موضوعات مرتبط به فعالیت اقتصادی می‌پردازد، ممکن است ناخواسته در معامله ربوی واقع شود. ازاین‌رو، فراگیری احکام مورد نیاز پیش از ورود به تجارت، صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه در مواردی می‌تواند مقدمه لازم برای اجتناب از ربا باشد (سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبِرِ: يَا مَعْشَرَ الثَّجَارِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمَتَجَرِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمَتَجَرِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمَتَجَرِ وَاللَّهُ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّافَا... کلینی، ج ۵، ص ۱۵۰).

## ۲.۲.۲. لزوم رعایت حریم حفاظتی در مورد قمار

در برخی روایات، از بازی با ابزارهای شناخته شده قمار، مانند شطرنج و نرد، با تعبیر «لاتقربوهما» نهی شده است. به کارگیری این تعبیر، در فرضی که ابزار مزبور عرفاً آلت قمار محسوب شود، می‌تواند بر ضرورت فاصله گرفتن از اصل قمار و زمینه‌های متعارف تحقق آن دلالت کند.

براین اساس، حریم حفاظتی قمار تنها شامل انجام مستقیم بازی همراه با بردوباخت مالی نیست؛ بلکه فراهم کردن ابزار قمار، اداره یا تبلیغ مراکز قمار، واسطه‌گری در پرداخت وجوه، آموزش با هدف تسهیل قمار و طراحی سازوکارهایی که عرفاً زمینه تحقق آن را فراهم می‌کنند نیز می‌تواند در قلمرو این حریم قرار گیرد.

در روایت ابوریع شامی از امام صادق علیه السلام که وقتی از آن حضرت راجع به شطرنج و نرد سؤال می‌شود، می‌فرماید «لاتقربوهما» و بدین وسیله برای آن حریم ایجاد کرده است. از این رو «تمام اسباب و کارهایی که منجر به تصرف مال از راه قمار حتی کارهایی که راه قماربازی را تسهیل و موجب تقویت قمارباز شده را نیز شامل می‌شود.»

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

(حسین شریفی، ص ۷۱) و بدین سان مکلفین را به رعایت حریم حمای قمار رهنمون شده اند.

### ۳.۲.۲. لزوم رعایت حریم حفاظتی در مورد مُسکرات

در روایات متعددی، افزون بر حرمت نوشیدن شراب، از مجموعه ای از فعالیت های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف آن نیز نهی شده است. صفوان جمّال از امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) گزارش کرده است که خوردن شراب خرما را منع کرده و اضافه کرده که به آن نزدیک نشو (فَلَا تَشْرَبُهُ وَلَا تَقْرُبُهُ. کلینی، ج ۶، ص ۴۰۸ و ۴۰۹). امام صادق (ع) نیز راجع به مایع مست کننده فرموده است: به مقدار کم آن هم نزدیک نشو (همان، ص ۴۱۱). مشابه این روایت راجع به آبجو هم وارد شده است (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ح ۱۲۶).

یکی از مصادیق داخل در حریم حمای شرب خمر را می توان در روایت نبوی یافت که در آن تمامی عوامل مرتبط با شراب مثل حمل و نگهداری و عوامل مرتبط با شراب خواری مثل حضور بر سر سفره شراب را مورد لعن قرار داده است (کلینی، همان، ص ۴۲۹).

مبنای این توسعه آن است که آزاد گذاشتن حلقه های مقدماتی و پشتیبان، دسترسی به مسکر و شیوع مصرف آن را آسان می کند. در نتیجه، منع این امور را می توان تدبیری پیشگیرانه برای حفاظت از عقل، سلامت فردی و نظم اخلاقی و اجتماعی دانست. البته تسری حکم به مصادیق جدید، مانند برخی خدمات تبلیغاتی، حمل و نقل یا فعالیت های تجاری، نیازمند احراز علم، قصد، اعانت بر گناه و دیگر شرایط دخیل در حکم شرعی است.

## ۳.۲. سیره عقلا

سیره عقلا به روش مستمر و متعارفی گفته می‌شود که خردمندان، فارغ از تعلقات قومی، جغرافیایی و مذهبی، در تنظیم رفتار فردی و اجتماعی خود به آن پایبندند. این سیره، در صورتی که با حکم شرعی مخالفت نداشته و مورد ردع شارع قرار نگرفته باشد، می‌تواند در استنباط و تبیین احکام شرعی مورد توجه قرار گیرد.

یکی از روش‌های پذیرفته‌شده عقلایی، تعیین محدوده حفاظتی برای امور مهم، حساس و خطرناک است. عقلا معمولاً ممنوعیت را تنها به نقطه وقوع خطر محدود نمی‌کنند، بلکه برای پیشگیری از ورود اشخاص به آن، محدوده‌ای پیرامونی نیز در نظر می‌گیرند. حریم مرزهای جغرافیایی (خط مرزی بین دو کشور)، مناطق نظامی (بویژه در زمان جنگ)، تأسیسات حساس، خطوط انتقال انرژی و نقاط خطرناک برای شنایا تردد، نمونه‌هایی از این روش عقلایی‌اند.

به طور کلی سیره عقلا براین است که «در امور مهمه حکم را محدود به صرف متعلق آن حکم نمی‌کنند، بلکه برای آن حریم الزامی قرار می‌دهند.» (حسین شریفی، ص ۸۰) «همه این احکام عقلایی برای آن دسته از موضوعاتی است که آسیب‌دیدگی ناشی از وقوع در آن‌ها بسیار شدید و گاه غیرقابل جبران است و به عبارتی در آن جا که محتمل قوی و دارای اهمیت فوق العاده‌ای است، احتمال هرچند ضعیف باشد بر حکم سایه می‌افکند و محیط پیرامونی را توسعه می‌بخشد.» (همان، ص ۸۱)

## ۴.۲. مذاق شارع

مذاق شارع به برداشت اطمینان‌آور از مجموعه احکام، نصوص و جهت‌گیری‌های شریعت در یک موضوع گفته می‌شود. این برداشت نباید بر حدس شخصی یا

مصلحت اندیشی فاقد دلیل استوار باشد، بلکه باید از ملاحظه مجموع آیات، روایات، احکام و اهداف آشکار شریعت به دست آید.

بررسی ادله مربوط به زنا، فواحش، ربا، قمار و مسکرات نشان می دهد که شارع در برابر برخی گناهان مهم، تنها به منع فعل نهایی اکتفا نکرده است. در این موارد، بعضی مقدمات، ابزارها و زمینه هایی که نوعاً راه ارتکاب حرام را هموار می کنند نیز مورد منع قرار گرفته اند. تکرار تعبیرهایی مانند «لاتقربوا» در قرآن کریم و روایات، همراه با احکام ناظر به مقدمات و عوامل تسهیل کننده گناه، می تواند از وجود رویکردی پیشگیرانه در شریعت حکایت کند.

بر پایه این رویکرد، هرگاه آزاد بودن رفتارهای پیرامونی، نوعاً احتمال ارتکاب یک حرام مهم را به گونه ای قابل اعتنا افزایش دهد، می توان با استناد به ادله خاص یا قواعد عمومی، برای آن محدوده ای حفاظتی در نظر گرفت. هدف از این حریم، جلوگیری از شکل گیری شرایطی است که مکلف را در معرض جدی ارتکاب گناه قرار می دهد.

با این همه، استناد به مذاق شارع نباید به توسعه بی ضابطه ممنوعیت ها بینجامد. اصل برائت، اصل اباحه و احترام به آزادی های مشروع اقتضا می کند که هرگونه محدودیت شرعی یا قانونی بر پایه دلیل معتبر و با رعایت ضرورت و تناسب اعمال شود. بنابراین، برای قرار دادن یک رفتار در حریم حفاظتی لازم است:

۱. اهمیت و حساسیت شرعی فعل اصلی احراز شود؛
۲. میان رفتار پیرامونی و وقوع فعل حرام، ارتباط عرفی و مؤثر وجود داشته باشد؛
۳. احتمال وقوع مفسده، عقلایی و قابل اعتنا باشد؛
۴. دلیل خاص یا قاعده عمومی معتبر، محدودیت را پشتیبانی کند؛
۵. دامنه محدودیت از مقدار لازم برای پیشگیری فراتر نرود.

در نتیجه، مذاق شارع می‌تواند مؤید اصل وجود حریم برای برخی محرمات مهم باشد؛ اما تشخیص مصادیق و تعیین گستره آن، نیازمند بررسی جداگانه ادله، موضوع‌شناسی دقیق و رعایت موازین اجتهادی است.

### ۳. ضرورت تحدید آزادی‌های اجتماعی در حوزه فرهنگی بر اساس ضابطه لزوم حفاظت از حریم احکام شرعی

زندگی اجتماعی انسان بر پایه ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد. ارتباط نه‌تنها یکی از عناصر اساسی زندگی جمعی، بلکه سنگ بنای جامعه و هسته اصلی شکل‌گیری ساختار اجتماعی است؛ زیرا بدون ارتباط، انتقال تجربه‌ها، پیدایش فرهنگ و استمرار آن امکان‌پذیر نخواهد بود (امیرتیموری، رسانه‌های آموزشی، ص ۱۰).

واژه «رسانه» در زبان فارسی نسبتاً جدید است و گاه به معنای مفرد و گاه به معنای جمع به کار می‌رود؛ بدین معنا که گاهی معادل واژه Medium و گاهی معادل واژه Media قرار می‌گیرد. رسانه در لغت، به روش یا ابزار مادی و فنی تبدیل پیام به علائم و نشانه‌هایی گفته می‌شود که برای انتقال از طریق یک مجرای ارتباطی معین مناسب است. در اصطلاح نیز رسانه ابزاری است که به وسیله آن ارتباط برقرار می‌شود (احسانی، ش ۶، ص ۱۱). در تعریف دیگری، رسانه عبارت است از: «وسیله‌ای که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند رادیو، تلویزیون، مجله و شبکه‌های رایانه‌ای» (انوری، ج ۴، ص ۳۶۱۵).

با گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی، رسانه‌ها نیز پیوسته در حال افزایش و تنوع‌اند. رسانه‌ها را از حیث شیوه انتقال پیام می‌توان در سه دسته کلی قرار داد:

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

۱. رسانه های شنیداری، مانند رادیو و پادکست؛
۲. رسانه های نوشتاری، مانند کتاب، مطبوعات و مجلات؛
۳. رسانه های دیداری و دیداری - شنیداری، مانند تلویزیون، سینما، اینترنت و شبکه های اجتماعی.

رسانه های جمعی به دلیل توانایی گسترده خود در شکل دهی به افکار عمومی، آداب و رسوم، ارزش ها و الگوهای رفتاری، می توانند هنجارها و ناهنجاری های اجتماعی را تقویت یا تضعیف کنند و در تغییر فرهنگ جوامع یا پیدایش فرهنگ های جدید مؤثر باشند. از این رو، فعالیت رسانه ای را نمی توان پدیده ای کاملاً خنثی و فاقد آثار فردی و اجتماعی تلقی کرد.

بر این اساس، رعایت حریم حفاظتی نواهی مهم الهی - که بر مصالح و مفاسد معتبر شرعی استوار است - ممکن است محدود شدن برخی آزادی های اجتماعی در حوزه فرهنگ و رسانه را اقتضا کند. این محدودیت، در صورت برخورداری از دلیل معتبر و رعایت ضرورت و تناسب، صرفاً سلب آزادی نیست؛ بلکه می تواند نوعی مصونیت بخشی به فرد و جامعه در برابر گناهان مهم و آسیب های ناشی از آن ها باشد. مصادیق این موضوع در حوزه رسانه های شنیداری، نوشتاری و دیداری بررسی می شود.

### ۱.۳. رسانه های شنیداری

رسانه شنیداری، رسانه ای است که پیام آن با تکیه بر حس شنوایی تولید و از طریق شنیدن دریافت می شود. رادیو، فایل های صوتی، پادکست ها و برخی محتواهای منتشرشده در فضای مجازی از مصادیق این نوع رسانه اند.

برای تبیین نقش ضابطه حریم جمعی در حوزه رسانه‌های شنیداری، سه موضوع موسیقی و غنای حرام، شوخی‌های جنسی و شنیدن صدای نامحرم بررسی می‌شود.

### ۱.۱.۳. موسیقی و غنای حرام

درباره ریشه واژه «موسیقی» گفته شده است که این واژه از دو جزء «موسی» و «قی» تشکیل شده است؛ «موسی» در زبان یونانی به معنای نغمه و سرود و «قی» به معنای موزون و مطبوع است. برخی نیز گفته‌اند «موسیقاقیا» عنوانی بوده است که یونانیان برای فلک اعظم به کار می‌بردند و فن نغمه را به دلیل شرافت و منزلت آن به این فلک نسبت داده و «موسیقی» نامیده‌اند (مختاری و صادقی، ج ۱، ص ۴۹).

اگرچه در برخی منابع لغوی، موسیقی معادل «غنا» دانسته شده است، این دو در اصطلاح فقهی مفاهیم یکسانی ندارند. غنا در اصطلاح فقهی، کیفیت خاصی از آواز انسان است که نوعاً با مجالس لهو و لعب تناسب دارد؛ درحالی‌که موسیقی غالباً به اصواتی گفته می‌شود که به وسیله آلات موسیقی تولید می‌شوند. ازاین‌رو، لازم است حکم فقهی غنا و موسیقی با توجه به تعریف موضوع، کیفیت اجرا، تناسب آن با مجالس لهو و نیز فتوای فقیه جامع‌الشرایط تعیین شود (حسینی، ص ۱۶-۱۷؛ مختاری و صادقی، ج ۳، ص ۲۱۴۷).

یکی از آیاتی که برای اثبات حرمت غنا مورد استناد قرار گرفته، آیه شریفه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛ «و از گفتار باطل اجتناب کنید» است (حج: ۳۰). در برخی روایات تفسیری، غنا از مصادیق «قول زور» معرفی شده است. واژه «اجتناب» بر فاصله گرفتن از موضوع دلالت دارد و از این حیث، معنایی نزدیک به نهی از نزدیک شدن پیدا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت تعبیر «اجتنبوا» تنها بر ترک مستقیم فعل دلالت ندارد، بلکه بر



ضرورت دوری از محیط، مقدمات و زمینه های متعارف آن نیز تأکید می کند.

در برخی روایات نیز آثار اخلاقی و اجتماعی نامطلوبی برای غنا بیان شده است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «غنا نردبان زناست» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۴؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۹۴، ح ۳۱۹۴۳). همچنین در روایتی دیگر، غنا از شنیدنی های ناپسند معرفی شده است (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۹). مفاد این روایات آن است که غنای حرام می تواند زمینه تحریک شهوت، تضعیف تقوا و گرایش به برخی مفاصد اخلاقی را فراهم کند. همچنین گفته شده است که مجالس غنا، در مواردی، با انواع دیگری از رفتارهای حرام همراه می شوند (مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۲۶-۲۵).

شهید مطهری، به نقل از کتاب مروج الذهب، داستانی تاریخی را درباره تأثیر آواز یک کنیز خواننده بر یکی از خلفای بنی امیه گزارش می کند. به خلیفه خبر دادند که فلان کس خواننده است و کنیز زیبایی دارد که او نیز خواننده است و تمام جوان های مدینه را فاسد کرده و اگر به کار او نرسید، این زن تمام مدینه را فاسد می کند. خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد انداختند و آن ها را به شام بردند. وقتی در حضور خلیفه نشستند، آن مرد گفت: «معلوم نیست که آن چه او می خواند، غنا باشد» و از خلیفه خواست که خود امتحان کند. خلیفه دستور داد که کنیز بخواند. او شروع به خواندن کرد. کمی که خواند، دید سر خلیفه تکان می خورد. کم کم کار به جایی رسید که خلیفه چهار دست و پا راه می رفت و می گفت: «بیا جانم به این مرکوب خودت سوار شو.» (مرتضی مطهری؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۸) بنابراین قرار گرفتن در شعاع و حریم موسیقی حرام، باعث وارد شدن در ورطه و کانون فساد و فحشا می شود

که از آن نهی شده است.<sup>۱</sup>

در چارچوب ضابطه حریم حفاظتی، چنانچه نوعی موسیقی یا غنا بر اساس ادله و معیارهای فقهی حرام باشد، ترویج، پخش و فراهم کردن زمینه عمومی دسترسی به آن نیز، با توجه به میزان ارتباط آن با فعل حرام، قابل بررسی خواهد بود. در این تحلیل، قرار گرفتن آگاهانه در محیطی که نوعاً انسان را به شنیدن غنای حرام یا ارتکاب مفاسد مرتبط سوق می‌دهد، می‌تواند ورود به حریم حفاظتی آن محسوب شود. با این حال، نمی‌توان حکم موسیقی حرام را بدون احراز موضوع به همه انواع موسیقی، آواز و اصوات موزون تسری داد.

از منظر آزادی‌های فردی، ممکن است گفته شود انسان در انتخاب سرگرمی‌ها و بهره‌مندی از امور لذت‌بخش آزاد است و موسیقی نیز می‌تواند موجب شادی و آرامش شود. در پاسخ باید گفت اسلام اصل بهره‌مندی از شادی و لذت‌های مشروع را نفی نمی‌کند؛ بلکه با اموری مخالفت می‌کند که انسان را به اسارت هیجانات زیان‌بار درآورده، قدرت تعقل او را تضعیف کرده یا زمینه ارتکاب گناه و فساد را فراهم سازند. بنابراین، موضوع بحث، نفی مطلق موسیقی یا شادی نیست، بلکه محدود کردن مصادیقی است که حرمت آن‌ها بر اساس موازین فقهی احراز شده باشد.

بر این مبنا، افراد موظف‌اند از شنیدن و ترویج موسیقی و غنای حرام خودداری کنند. حاکمیت نیز در چهارچوب قانون و با رعایت اصول ضرورت، تناسب و حقوق مشروع اشخاص می‌تواند بر عملکرد رسانه‌های عمومی نظارت کند و از تولید و انتشار محتوای حرام جلوگیری به عمل آورد. این نظارت باید بر معیارهای روشن و قابل سنجش استوار باشد تا به محدودیت بی‌ضابطه هنر، موسیقی و فعالیت‌های

۱. «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ»، سوره انعام، آیه ۱۵۱.

فرهنگی مشروع منتهی نشود.

امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر نقش تربیتی رادیو و تلویزیون، خواستار آن بود که این رسانه ها از غلبه محتوای موسیقایی و سرگرم کننده فاصله بگیرند و به رسانه هایی آموزنده تبدیل شوند. ایشان در بخشی از سخنان خود می فرماید: «نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخواند... رادیو و تلویزیون را تبدیلش کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده، موسیقی را حذف کنید، نرسید از اینکه به شما بگویند کهنه پرست شده اید... این عذر نیست که اگر موسیقی نباشد در رادیوها، می روند از جای دیگر موسیقی می گیرند...» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۰۱.۱۹۷؛ ج ۹، ص ۱۵۵؛ ج ۱۲، ص ۱۰۴).

این دیدگاه بر مسئولیت فرهنگی رسانه های عمومی و ضرورت اولویت دادن به کارکردهای آموزشی، اخلاقی و تربیتی آنها تأکید دارد.

### ۲.۱.۳. شوخی های (موکها) شنیداری جنسی

منظور از شوخی های جنسی شنیداری، به کارگیری الفاظ، تعبیر یا مطالبی است که صریحاً یا به صورت کنایی به مسائل جنسی مربوط می شود و می تواند موجب تحریک شنونده گردد. از این رو، این گونه شوخی ها را می توان از متفرعات حریم حمی زنا به شمار آورد؛ زیرا گاه مقدمه ای برای عادی سازی گفتارهای ناپسند و زمینه ساز انحراف اخلاقی می شوند.

در سال های اخیر، شوخی های جنسی در برخی جوامع، از جمله در بخشی از رسانه ها و فیلم های سینمایی ایران، رواج یافته است. در بسیاری از آثار، به ویژه فیلم های کمدی، برای جذب بیشتر مخاطب و افزایش جذابیت تجاری، از شوخی های کلامی

و غیرکلامی جنسی استفاده می‌شود. این شوخی‌ها گاه به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که مخاطب در ابتدا از یک جمله، حرکت یا موقعیت، برداشتی رکیک و زننده پیدا می‌کند، هرچند در ظاهر، معنای دیگری از آن اراده شده باشد. با این حال، اثر واقعی این‌گونه محتواها می‌تواند تضعیف حیا و عادی‌سازی مفاهیم ناپسند در فضای عمومی باشد.

شوخی‌های جنسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) شوخی‌های جنسی کلامی: این دسته شامل شوخی‌ها و طنزهای صریح با مضامین جنسی، کنایه‌های جنسی در گفتار، متلک‌های زننده، ابراز علاقه یا تمجید نامناسب نسبت به ظاهر افراد، اظهارنظر جنسی درباره ویژگی‌های ظاهری، ارائه پیشنهاد یا دعوت ناخواسته به رابطه جنسی، و نیز پرسش درباره زندگی شخصی و مسائل جنسی افراد است.

ب) شوخی‌های جنسی غیرکلامی: این دسته شامل نگاه‌های هیز و شهوت‌آلود، چشم‌چرانی، نشان دادن تصاویر نامناسب، چشمک زدن با معنای جنسی، و نگاه خیره و معنادار است.

پ) شوخی‌های جنسی جسمی: این نوع از شوخی‌ها با بدن و تماس فیزیکی مرتبط است؛ مانند لمس کردن یا نوازش نامناسب بدن، نزدیک شدن بیش از حد به شخص، به‌ویژه در برابر نامحرم، گرفتن دست، و ایجاد تماس بدنی اجباری.

در آیات مختلف قرآن کریم، خداوند متعال در خطاب با پیامبران، فرشتگان، مؤمنان، عموم مردم و حتی کافران، ادب در گفتار را رعایت کرده است. مؤمنان نیز مأمورند با دیگران به نیکویی سخن بگویند و از گفتار زشت و بی‌ادبانه بپرهیزند: «وَقُولُوا

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳). همچنین می فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ» (اسراء: ۵۳). کلام نیکو زمینه ساز محبت و زدودن وسوسه های شیطانی است، درحالی که سخنان ناروا بستر انواع انحراف ها را فراهم می سازد.

از همین رو، قرآن کریم مردم را به گفتار پاکیزه و دوری از لغو فرا می خواند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳). با توجه به این مبانی، می توان گفت شریعت اسلام سخنان زشت و شوخی های جنسی را، از آن جهت که زمینه ساز فساد و فحشاست، منع کرده است. این منع، در حقیقت، از متفرعات حریم حمی فواحش به شمار می آید؛ زیرا هدف آن جلوگیری از ورود انسان به مقدمات گناه و مسیرهای منتهی به آن است.

از منظر آزادی فردی، هرچند انسان در بیان و شنیدن آزاد است، اما این آزادی مطلق نیست. اسلام با توجه به پیامدهای منفی فردی و اجتماعی این گونه گفتارها، آن ها را در مواردی محدود می سازد و برای انسان حریمی تعیین می کند تا از سقوط تدریجی در مرزهای گناه پیشگیری شود. در این نگاه، محدودیت ناشی از پرهیز از برخی گفتارها و شنیدارها، نه صرفاً سلب آزادی، بلکه نوعی مصونیت اخلاقی و اجتماعی است.

بر این اساس، وظیفه حاکمیت آن است که از طریق نظارت بر رسانه ها، از ترویج این گونه محتواها جلوگیری کند و در صورت لزوم، برای نقض این حریم های الهی، ضمانت اجرای قانونی پیش بینی نماید.

### ۳.۱.۳. شنیدن صدای نامحرم

خداوند متعال در قرآن کریم، خطاب به همسران پیامبر (ص)، می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أَتَقَيُّسْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ

مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ یعنی: ای همسران پیامبر، اگر تقوا پیشه کنید، شما مانند دیگر زنان نیستید؛ پس در گفتار نرمی و خضوع نشان ندهید تا آن که در دلش بیماری است طمع نکند، و سخنی شایسته و پسندیده بگویید.

از این آیه شریفه استفاده می شود که در سخن گفتن با نامحرم، افزون بر رعایت اصل ادب، دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) پرهیز از خضوع در گفتار: مقصود از خضوع در گفتار، نازک‌گویی، نرمی تحریک آمیز، لحن آمیخته با کرشمه، یا هر نوع بیان و آوایی است که ممکن است موجب جلب توجه نامناسب، برانگیختن شهوت، یا طمع‌ورزی بیماردلان شود. این نهی، ناظر به کیفیت سخن گفتن است، نه نفی اصل ارتباط کلامی مشروع.

ب) رعایت «قول معروف»: منظور از قول معروف، گفتاری روشن، متین، سنجیده و به دور از هرگونه اشاره به فساد، ریه و تحریک است؛ گفتاری که شرع و عرف اسلامی آن را شایسته می‌شمارند و موجب آرامش و اطمینان شنونده می‌شود، نه اضطراب و تشویش او.

بنابراین، انسان نباید کاری انجام دهد که زمینه گناه و فساد را برای خود یا دیگران فراهم سازد. همان‌گونه که مبارزه با هوس و آرزوی گناه لازم است، دوری از مقدمات آن نیز ضروری است. چه بسا فردی بیماردل، با شنیدن صدای نامحرم، به طمع برقراری رابطه نامشروع بيفتد، و این امر خود می‌تواند مصداقی از قاعده حریمِ حِمیِ شرعی زنا باشد.

از این رو، زنان در جامعه اسلامی، در عین برخورداری از آزادی‌های اجتماعی و حق اشتغال، باید در محیط کار و سایر عرصه‌های اجتماعی، در ارتباط با نامحرمان، این

توصیه مهم اخلاقی و دینی را رعایت کنند تا نه تنها در خود انحراف، بلکه حتی در مسیر منتهی به آن نیز قرار نگیرند.

در حوزه آزادی فردی، هرچند اصل بر امکان گفتن و شنیدن است، اما این آزادی مطلق نیست و در مواردی به سبب مصالح فردی و اجتماعی محدود می شود. اسلام، به عنوان شریعت کامل، با توجه به آثار و پیامدهای منفی گفتارهای تحریک آمیز و شنیدن صداهایی که ممکن است زمینه ساز فساد شوند، برای انسان حریم و چارچوبی تعیین کرده است. زیرا کسی که حریم گناهان بزرگ را نقض کند، ممکن است به تدریج و ناخودآگاه در معرض خود گناه قرار گیرد؛ امری که گاه جبران ناپذیر و موجب شقاوت انسان است.

بنابراین، محدودیت ناشی از «نگفتن ها» و «شنیدن ها» در این موارد، در حقیقت نوعی مصونیت است، نه صرفاً محدودیت؛ همان گونه که پوشش، با وجود آن که نوعی محدودیت ظاهری به شمار می رود، انسان را از آسیب ها حفظ می کند. بر همین مبنا، وظیفه حاکمیت آن است که از فراهم شدن بستر این گونه رفتارها در رسانه ها جلوگیری کند، بر آن ها نظارت داشته باشد و در صورت لزوم، برای ناقضان این حریم های الهی، ضمانت اجرای قانونی مقرر سازد.

### ۲.۳. در حوزه رسانه های نوشتاری

رسانه های نوشتاری، رسانه هایی اند که از طریق نوشته ها و متون چاپی، یعنی رمزهای کلامی کتبی، پیام مورد نظر را به گیرندگان منتقل می کنند. در این جا به بررسی مواردی همچون حرمت خرید و فروش و نگهداری کتب ضاله و گمراه کننده، به عنوان یکی از مصادیق رسانه های نوشتاری، اشاره می شود.



در اصطلاح فقهی، کتب ضاله به آثاری گفته می‌شود که حاوی مطالب باطل و انحرافی‌اند. حرمت نگهداری کتب ضلال، به معنای وجوب اتلاف، به خاطر سپردن، نگهداری، انتشار، یادگرفتن، یاد دادن، تألیف و نگارش آن‌هاست. همچنین، اجرت گرفتن، خرید و فروش و تکسب از طریق رسانه‌های ضلال حرام است. (رضا علی کرمی، ص ۱۵۱-۱۵۲)

استاد مطهری می‌گوید: «اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ، توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن. مثلاً فرض کنید کسی قسمتی از جمله‌ای یا آیه‌ای را حذف کند و قسمتی را خود به آن اضافه کند و بعد این عبارت تحریف شده را به عنوان حجت مطرح کند، یا آن‌که از مسائل تاریخی قسمت‌هایی را حذف کند و بعد با استفاده از این اطلاعات ناقص، نتایج دلخواه خودش را بگیرد و یا فی‌المثل ادعای علمی بودن داشته باشد و حال آن‌که حرفش اساساً تحریف علم باشد. اغفال کردن به هیچ عنوان نمی‌تواند و نباید آزاد باشد؛ این‌که در اسلام خرید و فروش کتب ضلال حرام است و اجازه فروش هم داده نمی‌شود بر اساس همین ضرر اجتماعی است». (حسین یزدی، ص ۲۶۶)

دقت در کلام ایشان نشان می‌دهد که از دیدگاه شهید مطهری، کتب ضلال آثاری‌اند که رویکردی علمی به مسائل ندارند، بلکه بر پایه تحریف و اغوا و اغفال مردم شکل گرفته‌اند. هدف اصلی از تألیف آن‌ها پیشبرد علم و دانش نیست، بلکه گمراه‌سازی مردم و دستیابی به منافع و مقاصد مؤلفان و ترویج آن آثار است. دلیل اصلی حرمت آن‌ها نیز همین زیان اجتماعی است.

حرمت نشر کتاب سلمان رشدی از سوی امام خمینی نیز در همین راستا بود؛ زیرا هدف اصلی انبیای الهی هدایت جامعه و نجات از گمراهی بوده است. با توجه به آن‌که اسلام نمی‌تواند نسبت به گمراهی انسان‌ها بی‌تفاوت باشد، آن‌چه را که مایه

گمراهی آدمی می گردد، مانند اغواگری و ترویج تحریفات، ممنوع کرده است. اگر حکم حرمت خرید و فروش کتب ضاله نتواند مانعی در جهت اصل نشر این آثار باشد، دست کم می تواند در کاهش فراوانی نشر آن ها و جلوگیری از رواجشان مؤثر باشد.

یکی از مصادیق آزادی، آزادی بیان و قلم و اظهار نظر در مسائل اجتماعی و غیره است و این مطلب در قرآن و سنت پیامبر نیز معلوم و مشهود است. البته آزادی بیان در سیره پیامبر اسلام محدودیت هایی داشت. اهانت، به ویژه اهانت به مقدسات، آزادی بیان به شمار نمی آمد. کسی که عمداً به خداوند یا پیامبران اهانت کند، یا مطالب خلاف حقیقت و تحریف شده علیه شریعت اسلام بیان و منتشر نماید، مشمول آزادی بیان نیست. بنابراین آزادی انسان در بیان و گفتار مطلق نیست و شخص باید محدودیت های مذکور در آیین اسلام را رعایت کند.

هرچند خداوند برای هدایت بشر و سعادت انسان، تکالیفی را بر عهده او نهاده است، اما آزادی و حق انتخاب را از او نگرفته و او را در انتخاب راه هدایت و ضلالت آزاد گذاشته است. (شریعتمدار جزائری، ص ۱۵)

در بعد اجتماعی، وظیفه حاکمیت برخورد قانونی با مطالب، گفتارها و نوشتارهای مخل به مبانی اسلام است. در اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل مبانی اسلام باشند، و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در دادگاه انجام می شود.

### ۳.۳. در حوزه رسانه های دیداری

رسانه های دیداری به رسانه هایی گفته می شود که عمدتاً بر حس بینایی اتکا دارند

و پیام خود را از طریق تصویر و مشاهده به مخاطبان منتقل می‌کنند. در این جا به بررسی مواردی همچون ضرورت پوشش حجاب، نگاه به نامحرم، دیدن تصاویر و صحنه‌های مبتذل و مستهجن، و خرید و فروش و استفاده از ماهواره به عنوان مصادیقی از رسانه‌های دیداری پرداخته می‌شود.

### ۱.۳.۳. ضرورت حجاب و پوشش اسلامی

«حجاب» به معنای پرده، حاجب، پوشاندن، پنهان کردن و منع از وصول است. (حسین راغب اصفهانی، ص ۲۱۹) واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم به کار رفته است. (ص: ۳۲؛ مریم: ۱۷؛ احزاب: ۵۳؛ اعراف: ۴۶؛ شوری: ۵۱؛ فصلت: ۵؛ اسراء: ۴۵) حجاب و پوشش اسلامی از احکام ضروری اسلام است؛ چه این که نص صریح قرآن بر آن گواهی می‌دهد و تنها ظهور آیات قرآن دلیل بر آن نیست تا جای اختلاف برداشت و محل تردید باشد. خداوند متعال درباره علت ضرورت پوشش اسلامی می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فروپوشند، این کار برای آن که به عفت شناخته شوند و مورد آزار و تعرض قرار نگیرند، نزدیک تر است.

حقیقت آن است که وقتی زن پوشیده و باوقار از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، فاسدان و مزاحمان جرأت هتک حیثیت او را در خود نمی‌یابند. بیماردلانی که در پی شکار می‌گردند، فرد دارای حریم را شکار مناسبی نمی‌بینند. قرآن کریم زنان ایده‌آل را که در بهشت جای دارند، به مروارید محبوب و

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

پوشیده در صدف تشبیه می کند: «كَأَمْثَالِ اللَّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعۀ: ۲۳).

استاد شهید مطهری در این باره می فرماید: «حرکات و سکناات انسان گاهی زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتن زن معنادار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی برعکس، با زبان بی زبانی می گوید: دست تعرّض از این حریم کوتاه است.» (مطهری، مسأله حجاب، ص ۱۶۳)

گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک ترین پیامدهای بی حجابی و آزادی های بی حد و حصر جنسی است که در جوامع غربی و سایر جوامع مشابه کاملاً مشهود است. یکی از عوامل اصلی و مؤثر در گسترش دامنه فحشا و جریان رو به رشد تولد فرزندان نامشروع، مسئله برهنگی و بی حجابی است.

بنابراین، شارع مقدس حجاب و پوشش را برای زن، حریمی برای او دانسته و اجازه نداده است که کسی حتی وارد این حریم شود، چه رسد به آن که بخواهد مرتکب فحشا و زشتی شود. این امر در واقع از مصادیق بارز قاعده رعایت حریم حفاظتی (حریم جمعی) شرعی زنا در مبانی دینی شریعت اسلام است.

یکی از مصادیق امروزی که در دنیای امروز مورد بهره برداری قرار می گیرد، مدلینگ است. صنعت مدلینگ (Modeling) با دست گذاشتن بر میل به خودنمایی و عرضه کردن زیبایی های زنان، از آنان برای کسب سود بیشتر استفاده می کند. مدلینگ به طور کلی دو قسم دارد: مدلینگ غیراسلامی (غربی) و مدلینگ اسلامی که به آن ها «حجاب استایل ها» یا «حجاییستاها» گفته می شود. حجاییستا، واژه ای بین المللی است که به تمام زنان مدرن مسلمان و محجبه ای گفته می شود که سبک پوشش شیک و لایف استایل خود را در شبکه های اجتماعی به نمایش می گذارند.

حجاب استایل‌ها در جایی پا به عرصه فعالیت گذاشته‌اند که صنعت طراحی و تولید لباس اسلامی، با صرفه‌های اقتصادی بالای خود، صنعت سرمایه‌داری، مصرف و سود بیشتر، و صنعت رسانه و شهرت با هم تلاقی می‌یابند. برخی از کارشناسان حوزه عفاف و حجاب معتقدند: «ما با فلسفه مدلینگ در اسلام مشکل داریم و بین آن‌ها تعارض وجود دارد و قابل جمع نیستند. وقتی درباره مدلینگ صحبت می‌کنیم، درباره اغواگری، جلوه‌گری و جذب دیگران و لباس پوشیدن به خوشایند دیگران صحبت و توجه می‌کنیم... مدلینگ ممکن است با حجاب جمع شود، ولی با عفاف درون حجاب قطعاً قابل جمع نیست... پوشش باید عقیفانه باشد.» (تارنمای <https://www.nasim.news>، کد خبر: ۲۳۷۳۰۳۲-۱۴۰۰/۰۳/۰۲، تاریخ مشاهده ۱۴۰۱/۲/۱۷)

بنابراین، مدلینگ اسلامی یا همان حجاب استایل‌ها را که پدیده‌ای نسبتاً نوظهور است، با توجه به آثار آن می‌توان داخل در حریم حفاظتی احکام شرعی فواحش قرار داد.

### ۲.۳.۳. نگاه کردن به نامحرم

چشم، دریچه دل و اندیشه انسان است. حضرت علی (ع) فرمود: «چشم جاسوس و مأمور دل و نامه‌رسان عقل است.» و در جای دیگر فرمود: «چشم پیغام‌رسان دل است.» کلمه «جاسوس» در روایت اول نشان می‌دهد که چشم بر دل اثر می‌گذارد؛ زیرا جاسوس هرچه گزارش دهد، دل و فرمانده می‌پذیرد.

منابع دینی نیز قرن‌ها پیش از روان‌شناسان، چشم‌چرانی را نوعی انحراف و بیماری دانسته‌اند. رسول خدا (ص) فرمود: «هر عضوی از بنی آدم بهره‌ای از زنا دارد، و زنا ی چشم نگاه کردن به بدن نامحرم است.» امام صادق (ع) نیز فرمود: «نگاه پی‌درپی در

قلب، شهوت ایجاد می کند و همین برای انحراف بیننده کافی است.»

از حضرت مسیح (ع) نقل شده است که فرمود: «هرگز تیزنظر به سوی چیزی که برایت حلال نیست نباش، زیرا تا زمانی که چشمت را حفظ کنی دامت آلوده به زنا نمی شود؛ و اگر بتوانی به لباس زنی که برایت حلال نیست نگاه نکنی، این کار را انجام بده.»

این حدیث نشان می دهد که حتی نگاه به لباس زن نامحرم نیز می تواند مقدمه نگاه به خود او باشد و نگاه به نامحرم، به تدریج انسان را به کار خلاف عفت بکشانند. بنابراین، با توجه به مبانی دینی، نگاه کردن به اجنبیه و زن نامحرم دری به سوی ورود به ورطه فساد، فحشا و زناست و ازاین رو، به دلیل قرار گرفتن در حریم قاعده حریم حفاظتی (حریم جمعی) شرعی، ممنوع و دارای حرمت است.

### ۳.۳.۳. دیدن تصاویر و صحنه های مستهجن

یکی از عواملی که زمینه ساز فساد و تباهی جوانان می شود، نگاه به تصاویر مبتذل و مستهجن است. در آموزه های اسلامی به نقش ویرانگر آن در تخریب سلامت اخلاقی فرد و جامعه اشاره شده و پیامبر اکرم (ص) آن را تیری از تیرهای شیطان معرفی فرموده است: «نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است.» (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۴۰۳۸)

منظور از نگاه در این حدیث شریف، هر نگاهی نیست، بلکه دیدن منظره های نامناسب و فسادانگیز مراد است. پژوهشگران بر این باورند که تصاویر و فیلم های نامناسب، مستهجن و حاوی خشونت، اثرات شومی بر انحرافات جوانان و تحریک غرایز جنسی آنان دارد. این تحریکات، سرانجام آنان را به خشونت و جنایات، شهوت رانی و عشق زودگذر می کشاند و عشق و میل جنسی که از این مسیر آمده

باشد، چون همراه ایمان و معنویت نیست، آنان را به سمت خودکشی می‌کشاند.  
(مروتی و دیگران، ص ۱۰۸)

بنابراین، تماشای تصاویر مبتذل و مستهجن و خشن، دریچه‌ای برای ورود به فساد، خشونت و خودکشی است و به نوعی نقش تسهیل‌کنندگی را ایفا می‌کند؛ ازاین‌رو، به دلیل قرار گرفتن در حریم ضابطه حفاظتی دوری از فواحش و زنا ممنوع است.

### ۴.۳.۳. خرید و فروش و استفاده از ماهواره

حرمت خرید و فروش ماهواره و استفاده از آن، به دلیل قرار گرفتن برخی شبکه‌های ماهواره‌ای تحت عنوان «کتب ضلال» است. بسیاری از فقیهان استفاده از ماهواره را به دلیل شیوع فساد و فحشا جایز ندانسته‌اند. امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «از آن جا که برنامه‌هایی که توسط ماهواره‌های غربی پخش می‌شوند و همچنین برنامه‌های تلویزیونی بیشتر دولت‌های مجاور، دربردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده، تحریف حقایق، لهو و فساد هستند و غالباً مشاهده آن‌ها باعث گمراهی و فساد و ارتکاب کارهای حرام می‌گردد، بنابراین دریافت و دیدن آن‌ها جایز نیست.» (موسوی خمینی، توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۹۷۲)

همچنین آمده است: «با توجه به آن چه مّطّلعین اظهار می‌دارند برنامه‌های ماهواره اکثراً موجب شیوع فحشا و منکر، مخصوصاً در رابطه با نسل جوان می‌باشد. لذا خرید و نصب آنتن‌های ماهواره‌ای جایز نیست.» (فاضل موحّدی لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۲۴۶)

از برخی فقیهان، از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی، سؤال شده است که استفاده افراد از برنامه‌های ماهواره چگونه است، با این‌که بعضی برنامه‌های خوب نیز دارد؟ ایشان



در پاسخ فرموده اند: «استفاده از این برنامه ها جایز نیست و برنامه های ظاهراً خوب یا بی ضرر آن، وسیله ای است برای سوق دادن به برنامه های فاسد، بنابراین نباید مسلمانان از حيله های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.» (احمدوند، ص ۵۶۹)

با دقت در دیدگاه های فقیهان ملاحظه می شود که یکی از دلایل حرمت خرید، فروش، نگهداری و استفاده از ماهواره به عنوان یک رسانه دیداری این است که مصداقی از کتب ضلال و دربرگیرنده آموزش افکار گمراه کننده، لهو و فساد، و موجب شیوع فحشا و منکر در بین مسلمانان، به ویژه جوانان، است. همچنین از آن جا که در محدوده پیرامونی و در مسیر سوق به سمت منکرات و زشتی ها قرار دارد، از مصادیق قاعده حریم حفاظتی (حریم جمعی) شرعی فواحش به شمار می آید.

نگاه کردن و دیدن امور ناپسند و منهی عنه شرعی که خداوند به سبب مصالحی و به دلیل ترتب مفاسدی آن ها را حرام کرده است، مقدمه و زمینه ساز عمل مخالف عفت، یعنی زنا، است. زیرا گاهی یک نگاه، انسان را در دروازه این عمل قرار می دهد. چشم، نعمتی بزرگ و برای استفاده های سالم و عبرت آموز است؛ در صورت رها کردن آن و دیدن نامحرم یا تصاویر زشت و حرام، محیط برای نفوذ شیطان باز می شود و گناهان بعدی رخ می دهد. بنابراین نباید از حدود تعیین شده از طرف خداوند تخطی کرد، هرچند که این موارد مقداری از آزادی شخص را محدود می کند.

استفاده های مناسب، مانند دیدن متون مذهبی و مفید همچون قرآن، ادعیه، روایات و کتب علمی و آموزنده، و نیز توجه به حضور خداوند متعال در هر محیطی که انسان در آن قرار می گیرد، و التفات به این که چشم وسیله تقرب و ارتباط با مبدأ هستی و اولیای الهی است نه وسیله تنزل و انحطاط، از بعد آزادی فردی در کنترل چشم بسیار

سودمند می‌نماید.

از بعد اجتماعی و وظیفه حاکمیت نیز باید گفت که تا حد امکان باید بسترها و زمینه‌های فساد و فحشا در رسانه‌های دیداری از بین برود و مسئولین مربوط باید نظارت مستمر و جدی بر این‌گونه رسانه‌ها داشته باشند و برای متخلفین، ضمانت اجرای قانونی مناسب در نظر بگیرند. زیرا برای برخورد با یک بیماری یا ناهنجاری اجتماعی باید علت و زمینه اصلی آن شناسایی و درمان شود. بنابراین، در محیط جامعه اگر شخصی را از انجام امری منع کنیم ولی در عین حال زمینه آن در عالم خارج وجود داشته باشد، سبب تحریک و گرایش فرد به سوی آن عمل می‌شود و از همین رو گفته شده است: «الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ؛ انسان نسبت به چیزی که از آن منع می‌شود، حریص می‌گردد.»

شهید مطهری در این باره چنین می‌گوید: «این که می‌گویند: الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ مطلب صحیحی است ولی نیاز به توضیح دارد. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم نسبت به آن تحریک شود، هم از آن منع شود... اما اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت به آن کمتر خواهد بود.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۶۱)

از این رو، برداشتن قیود اجتماعی و آزادی داشتن، مشکل را حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. به همین دلیل، شریعت مقدس اسلام با قرار دادن برخی محدودیت‌های ظاهری که در واقع نوعی مصونیت است، خواسته است برای گناهان بزرگ و مهم حریم قرار دهد تا با ارتکاب آن‌ها زمینه و بستری برای ورود به خود گناه اصلی، یعنی حریم شرعی، که موجب تباهی و شقاوت انسان می‌شود، فراهم نشود. بنابراین، ممنوعیت حریم‌های حفاظتی (حریم جمعی) و به طریق اولی حماهای شرعی، حقیقتاً ایجاد

مصونیت برای انسان در برابر گناهان بزرگ و نواهی الهی است؛ و زجر و نهی و منع از آن ها از سوی شارع مقدس، بر اساس مفاسد قطعی مترتب بر آن ها صورت گرفته است.

## نتیجه گیری

نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

۱. وقتی در کلام خداوند موضوعی به صیغه لاتقربوا مورد نهی قرار گرفته باشد، صرفاً موضوع خود حکم را ممنوع نمی کند بلکه به موضوعات پیرامونی آن نیز سرایت کرده و آن ها را هم ممنوع می کند. این شمول ناظر به آن دسته از موضوعات پیرامونی که نهی مستقل داشته باشند نیز جریان دارد. البته هر جا از صیغه نهی ((لاتقربوا)) استفاده شده، الزاماً به معنای ایجاد حریم برای یک حکم شرعی نیست، بلکه «چه بسا برخی از آن ها تنها مکروه باشد یا آن نهی از باب ارشاد برای عدم وقوع در متن حرام و یا فقط برای فهماندن شدت حرمت باشد. آن چه در این نوشتار مورد ادعاست، این است که فی الجمله. اگر دلیلی بر خلاف اقامه نشود. می توان از چنین تعبیراتی، ممنوعیت را از نقطه کانونی به محیط پیرامونی گسترش داد. این امر به دلیل کاربرد جمله «لاتقربوا» برای نهی از یک عمل است و این فقیه مستنبط است که باید -تک تک- موارد را بررسی کند و در کنار دیگر ادله ببیند که آیا مفسده ناهیه، به اندازه ای شدید است که برای آن محیط پیرامونی تعریف کند یا خیر.»

۲. ضابطه مستنبطه ضرورت ایجاد حریم حفاظتی برای احکام مهم شرعی می تواند به پویایی و پاسخگو بودن فقیه به مسایل مستحدثه و مورد نیاز روز جامعه کمک کند به این نحو که امور جدید مورد نیاز جامعه را با مصادیقی که مشمول این عنوان هستند

بسنجند و با استفاده از وحدت ملاک حکم آن‌ها را استنباط کرده و به آن فتوی بدهد. رابطه بین وجود حریم برای احکام مهم الهی و حتی خود احکام مهم الهی و نیز رابطه بین آزادی‌های فردی از سوی دیگر اقتضا دارد آزادی‌هایی که با حریم و احکام مهمه یاد شده در تزامن است، محدود شده و انسان نسبت به آن‌ها به نحو مطلق آزاد نباشد و احکام مهم بر این اساس روشن شد که پس از اثبات لزوم رعایت حفاظت از حریم احکام مهم شرعی، بر نظام اسلامی لازم است در حوزه‌های تقنین و اجرا به حریم‌های آن احکام توجه و برای دور نگه داشتن جامعه از ارتکاب موضوعات دارای چنین حریمی، مقررات مناسب وضع و آن را به موقع اجراء بگذارد.

## منابع

### • قرآن کریم.

۱. احسانی، حمیده. (۱۳۹۶). نقش و تأثیر رسانه‌ها در تربیت اجتماعی و دینی کودکان، نوجوانان، جوانان و خانواده. فصلنامه نخبگان علوم و مهندسی، شماره ۶، صص ۲۰-۱۰.
۲. احمدوند، خلیل‌الله. (۱۳۹۸). آثار ماهواره و حکم آن از منظر فقه. فصلنامه قانون‌یار، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۵۷۱-۶۰۳.
۳. امیرتیموری، محمدحسن. (۱۳۷۷). رسانه‌های آموزشی. شیراز: نشر ساسان.
۴. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن.
۵. بروجردی، حسین. (۱۴۲۹). جامع احادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰). تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

۸. حسینی، علی. (۱۴۱۳). الموسیقی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. داودی، سعید. (۱۳۹۳). قاعده حریم جمی. حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۶۷.۳۳.
۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. لبنان - سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه.
۱۲. شریعتمداری جزائری، سید نورالدین. (۱۳۷۷). مبانی آزادی در کلام و فقه شیعه. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۷۴.۴۶.
۱۳. شریفی، حسین. (۱۳۹۶). قاعده رعایت حریم جمی و کاربرد آن در سیاست های کلان فرهنگی کشور از منظر قرآن و روایات. رساله سطح چهار.
۱۴. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. عربشاهی مقدم، عبدالمهدی. (۱۳۹۳). مبانی فقهی اسلام و آزادی های سیاسی - اجتماعی. فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۷، صص ۱۱۹.۱۳۶.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۰. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۱. کرمی، رضا علی. (۱۳۹۵). مصادیق کتب ضلال و احکام آن. فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۹، شماره ۴، صص ۱۵۶.۱۲۷.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۲). منتخب میزان الحکمه. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۲۵. مختاری، رضا، و صادقی، محسن. (۱۴۱۹). غنا، موسیقی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۶. مروتی، سهراب، و دیگران. (۱۳۹۳). علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال ۲، شماره ۲.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). مسأله حجاب. تهران: صدرا.
۳۰. معلوف، لوئیس. (۱۳۹۵). المنجد فی اللغة. تهران: انتشارات تهران اسلامی.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. موحدی لنکرانی، محمد فاضل. (بی تا). جامع المسائل (فارسی - فاضل). قم: انتشارات امیر قلم.
۳۴. موسوی خمینی، سیدروح اله. (۱۴۲۴). توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. موسوی خمینی، سیدروح اله. (۱۳۷۹). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

حریم حفاظتی از احکام شرعی در نظام اسلامی و حل تعارض آن با آزادی های اجتماعی و فردی

خمینی (س).

۳۶. نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البیت.

۳۷. یزدی، حسین. (۱۳۷۹). آزادی از نظر استاد مطهری. تهران: صدرا.